



امت اسلامی نیازمند يك اتحادیه فقهی اجتهادی است

به نظر امت اسلامی نیازمند يك اتحادیه فقهی اجتهادی است تا زمانیکه چنین تریبونی تشکیل نشود مشکلات امت اسلامی از جمله مسئله فلسطین ، کشمیر و افغانستان حل نخواهد شد.

به نظر امت اسلامی نیازمند يك اتحادیه فقهی اجتهادی است تا زمانیکه چنین تریبونی تشکیل نشود مشکلات امت اسلامی از جمله مسئله فلسطین ، کشمیر و افغانستان حل نخواهد شد.

آقای غلام علی گلزار ، متولد ۱۹۳۹ میلادی ، یکی از چهره سرشناس فرهنگ کشمیر است که بعد از تکمیل دوره مهندسی نسبت به علوم اسلامی تمایل بیشتری پیدا کرد و زبان های عربی ، فارسی ، و اردو را تا حد کارشناسی ارشد فراگرفت و بیشتر به فعالیت های فرهنگی پرداخت در ماه دسامبر سال ۱۹۶۳ میلادی که نهضت مؤئی مقدس (موی مقدس منسوب به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم می باشد و در مشهد حضرت بال نگهداری می شود در این سال ۱۹۶۳ عمال سیاسی دست به خیانت زده بودند و مردم برای بازیابی موی مقدس نهضت راه انداخته بودند که معروف به نهضت موی مقدس می باشد) به عضویت حزب 'مسلم یوته فیدریشن' (فیدرسیون جوانان مسلمان) در آمد و نایب رئیس مولانا پیرزاده بدرالدین، رئیس منتخب آن حزب شد در دسامبر سال ۱۹۶۶ میلادی يك اتحادیه تقریبی بنام 'انجمن تحفظ الاسلام جامو و کشمیر' تاسیس شد و ایشان دبیر کل آن انتخاب شد و برای ۳ سال این مسئولیت را بعهده داشت در ژوئن سال ۱۹۷۲ میلادی يك حزبی برای دفاع از حقوق احکام شرعی اسلامی که در اثر مصوبه قانونی هند در میان مسلمانان دغدغه ایجاد کرده بود در کشمیر بنام 'مجلس تحفظ شریعت اسلامی (مسلم پرسنل لا فورم) تاسیس شد و ایشان یکی از بانیان این مجمع بودند و تا سال ۱۹۷۶ دبیر این مجمع بودند در سال ۱۹۶۸ موسسه آموزش پرورش کشمیر (ایجوکیشن ترست کشمیر) تاسیس شد و مسئولیت های متعددی در این موسسه بعهده ایشان گذاشته شد. مدیریت مجله ماهنامه 'تحفظ (اسلامی اتحاد جرنل) از سال ۱۹۶۹ الی ۱۹۸۵ میلادی بعهده وی بود و او در ماه اکتبر ۱۹۷۸ میلادی 'تحریک مکاتب امامیه تاسیس کرد و در سال ۱۹۸۱ میلادی اداره تنظیم المکاتب در کشمیر را به راه انداخت و آنرا در تمام کشمیر گسترش داد. در سال ۲۰۰۷ نیز که اتحادیه تقریب 'اتحاد ملت' تاسیس شد ایشان به عنوان معاون دبیر کل این اتحادیه انتخاب و مشغول فعالیت شد. خبرنگار تقریب در کشمیر صبح روز جمعه ۱۹ آذر با آقای غلام علی گلزار به گفتگو نشست و پیرامون سیر تکاملی تقریب در کشمیر و امتیاز کشمیر در مقایسه با دیگر مناطق همسایه از جمله هند و پاکستان به گفت و گو پرداخت که توجه شما را به خواندن آن جلب می کنیم:

امتیاز کشمیر با دیگر مناطق چیست؟

کشمیر از نظر طبیعت ، جغرافیا ، فرهنگ و سیاست با دیگر مناطق همسایه قابل مقایسه نیست. از نظر تاریخی میان اعتقادات بت پرستان هندوستانی و بت پرستان کشمیری تفاوت بسیاری وجود داشته است. بت پرستان هندو آیین ویشنوی و بت پرستان کشمیری آیین شیومت داشته اند. آیین شیومت خیلی نزدیک به توحید است در حالیکه در آیین ویشنوی بعد شرك و کفر آشکار است و این یکی از تفاوت های مهم آیین های بت پرستی میان مردم هندوستان و کشمیر است . پیروان آیین شیومت وقتیکه دعوت حقیقی توحید یعنی اسلام را شنیدند با آغوش باز از این دین آسمانی استقبال کردند و این منطقه به مهد اسلامی تبدیل شد

یکی دیگر از امتیازهای مردم کشمیر تنوع آب و هوایی این سرزمین است . گاهی تفاوت دما در دو منطقه کشمیر به حدود 80 درجه سانتیگراد می رسد. در این سرزمین منطقه ای وجود دارد با درجه حرارت منهای ۴۰ سنتی گراد و همزمان منطقه ای دیگر با درجه حرارت افزون بر مثبت ۴۰ سنتی گراد. این تنوع و تفاوت اقلیمی برای سلامت و بالندگی يك فرهنگ و جامعه موضوع خیلی مهمی به شمار می رود.

کشمیر متشکل از ۳ ناحیه (اجامو گرم سیر، ۲ لداخ سرد سیر و دره ۳ کشمیر معتدل) است که مکمل یکدیگر می باشند امتیاز دیگری که به آن می شود اشاره کرد طبیعت است. کشمیر دارای گیاهان متنوع با کاربرد علمی، دارویی و صنعتی است. علاوه بر ویژگی های برشمرده شده، مردم کشمیر از نظر اخلاق و سلیقه نیز در مقایسه با مردم هند و پاکستان تفاوت دارند و همین امتیازها آنها را با همسایگان خود متفاوت می سازد

روحیه تقریبی مردم کشمیر را با مردم هند یا پاکستان چگونه ارزیابی می کنید؟
بزرگان اسلامی که وارد کشمیر شدند نسبت به موضوع تقریب عنایت خاص داشتند میر سید علی حسینی همدانی که خودش يك

عالم شیعه بوده ولی در کشمیر تشیع را ترویج نکرد چون دید که مسلمان اند ولو حنفی مسلک ، البته بدعات را رواج داده اند لذا به اصلاح آن پرداختند ایشان با سلطان قطب الدین که دارای مسلک حنفی بوده همکاری آغاز کرد و به اصلاح امت پرداختند هر چند مشهور است ایشان خودش شافعی مسلک بودند ولی وقتیکه وارد کشمیر شدند نه تشیع را ترویج کرد و نه به تبلیغ مسلک شافعی پرداختند بلکه با همان حنفی مسلک همکاری کرد سپس فرزندش میر سید محمد حسینی همدانی که علنا شیعه بود ولی با مسلک حنفیه همکاری داشت

در سال ۷۹۸ هجری سلطان سکندر با سید محمد حسینی همدانی قرار داد وقف بست که مشهور به وقف نامه شاه همدان می باشد بر ضوابط تقریب به رشته تحریر در آورده است

و درباره روحیه تقریبی مردم هند، پاکستان و کشمیر باید بگویم که مسلمانان پاکستان و هندوستان فکر و روششان مناظره و رودرویی است، اما مسلمانان کشمیر اعم شیعه و سنی مشی شان دعوت است و این روحیه مردم کشمیر را با دیگران متمایز می سازد. البته برای از بین بردن روحیه تقریبی و دعوتی مسلمانان کشمیر اعم شیعه و سنی تلاش زیادی توسط مزدوران استعمار صورت گرفته است که هنوز هم ادامه دارد که مسلمانان شیعه و سنی را از هم جدا کند

نقش میر سید محمد شمس الدین عراقی(اراکی) در امور تقریب چگونه ارزیابی می کنید؟

همان طور که اشاره داشتم که تلاش زیادی استعماری برای از بین بردن روحیه تقریبی مسلمانان صورت گرفته است و یکی از تلاش ها این بوده که به اهل سنت القاء کند که میان میر سید محمد شمس الدین موسوی عراقی (اولین مروج تشیع در کشمیر) و شیخ حمزه مخدوم {شخص واجب الاحترام برادران اهل سنت} باهم اختلاف بوده و قصه ها و داستان ها را درست کردند (حاکمی از نزاع و درگیری میان میر عراقی و شیخ) در حالیکه در میان این در بزرگواری ۱۶۰ سال اختلاف زمان وجود دارد شیخ حمزه مخدوم يك صوفی بزرگوار بوده که برادران اهل سنت نسبت به ایشان ارادت خاصی دارند و این دین الهی پادشاه هندوستان اکبر شاه بوده که نه سکولاریسم بلکه کاملا يك نظام بی دین بوده که صرفا برای منفعت خود بین مسلمانان تفرقه ایجاد کرد و در کشمیر بصورت اکمل آن را بکار برد

(ضمن اشاره به آخرین پادشاه کشمیر که شیعه بوده و اکبر شاه برای از بین بردن حکومت شیعی تلاش وافر بکار برد، گفت) اگر یوسف شاه چک برای گفتن 'اشهد ان علی ولی الله' تاکید می کرد چه جای نزاع بوده، مگر در ماه مبارک رمضان در اذان صبح 'الصلاة خیر من النوم' گفته نمی شود در حالیکه مسلمان آن وقت بیدار می باشند ولی باز هم گفته می شود بسیاری از افراد مغرض و مزدو استعمار به بهانه اینکه یوسف شاه چک دارد در کشمیر تشیع ترویج می کند و شیخ یعقوب صرفی پیشگام آن بوده که باعث کشتار ده ها هزار مسلمان شده است و این جای عبرت است در نزاع ما استعمار استفاده می کند نه که امت اسلامی

کشتار جمعی معروف شیعیان کشمیر که 'ده تاراج شیعه' شهرت دارد چگونه پیش آمد ؟

علل و اسباب صرفا سیاسی بوده و از طریق علماء مزدور این کار صورت گرفت و الا میان شیعه و سنی نزاعی نبوده و این ده تاراج نبودند بلکه یازده تاراج بودند مسلمانان همیشه اتحاد و یکپارچگی را دوست دارند صرفا سیاست استعماری در صدد تفرقه بوده است عمر بن عبدالعزیز کار مدبرانه کرد و باب تقریب را باز کرد ابوحنیفه از حضرت علی علیه السلام روایت نقل می کرد هر چند بجای اسم مولی واژه شیخ بکار می برد بدین ترتیب اهتمام به تقریب می ورزیدند و ما نمی توانیم بگوئیم که همیشه مسلمانان دست به گریبان بودند سیاست بنی امیه و بنی عباس امت اسلامی را تضعیف کرد و الا عامه مردم از این سیاست راضی نبودند و در کشمیر هم بخاطر همان آثارسیاسی بنی امیه و بنی عباس کشتار شیعیان صورت گرفت که عامل آن پادشاهان مغول هندوستان بودند

با در نظر گرفتن برادر کشی چگونه فضای تقریب باز گشت؟

در میان شیعیان بزرگانی همچون آیت الله سید مهدی موسوی و در میان اهل سنت همچون مولانا رسول شاه پیدا شدند که تقریب را مورد توجه قرار دادند و سپس دیگر بزرگان مثل مولانا حیدر علی انصاری ، علامه شیخ علی به موضوع تقریب پرداختند و این سلسله ادامه یافت

(ضمن اشاره به يك خاطره خود که چقدر فرهنگ سازی مسموم علیه شیعیان صورت گرفته بود، گفت) يك روز در يك همایش در سال ۱۹۷۲ میلادی که از طرف برادران اهل سنت تشکیل شده بود و بنده هم در آن مدعو بودم ، یکی از آقایان که آدم تحصیل کرده بود و از یکی از منطقه حاشیه بنام شوپیان (شوپیان را در قدیم براتر جمعیت انبوه شیعیان 'شیعه ون' یعنی جنگل شیعیان می گفتند که بعد بنام شوپیان مشهور شد و الان اثری از شیعیان انجا وجود ندارد) سفر کرده در همایش حاضر بود و حضور ایشان نه بخاطر شرکت در همایش بوده بلکه شنیده بود که در همایش شیعه هم هستند لذا می خواست شیعه را با چشم خود ببیند که شیعه دارای شاخ ها چگونه هستند (به برادران اهل سنت القا شده بود که شیعیان انسان های وحشی دارای شاخ ها هستند و نجاست خوارند، بویژه در سفره نوروز [اول فروردین] اهل سنت می کشند و خون وی در سفره نوروز می خورند ، همچنین در چای خوری اول لعاب دهن می ریزند سپس چائی نوش می کند این تبلیغ استعماری علیه شیعیان اینقدر گسترده بود که هنوز هم در اطراف و اکناف کشمیر چنین داستان های خرافی بگوش می رسد) و وقتیکه مرا دید تعجب کرد از من سوال کرد که:

'مگر شما شیعه نیستی؟'

گفتم چرا

پرسید پس شاخ بر سر شما کی می روید؟ این وضع تحصیل کرده ها بود وای به حال دیگران
غرض اینقدر علیه شیعیان فرهنگ سازی کرده بودند و مادران اولین داستان به کودک از این قبیل خرافات گوشزد می کرد که تمام عمر
بر انسان تاثیر می گذاشت البته موضوع تاراج شیعیان، از جمله یازده کشت و کشتار شیعیان چهار تاراج کاملاً دولتی بوده که دولت
عملاً وارد کشت و کشتار شیعیان شده بود و بقیه هفت تاراج هم سیاسی بوده ولی دولت غیر مستقیم عمل می کرد و بالغ بر یک قرن
پیش علماء توطئه استعماری را درک کردند و به تقریب پرداختند

شما بخاطر تقریب چه فعالیت داشتید ؟

من از کودکی به خدمت به جامعه کشش داشتم و ۲۶ سال با تنظیم مکاتب خدمات انجام داده ام و وقتیکه یک تربیون تقریب بنام
'تحفظ الاسلام' تاسیس شد و من نیز یکی از بنیان بوم و اولین نایب رئیس آن شدم ، سپس دبیر کل منتخب شدم و برای ۱۲ سال
بعنوان دبیر کل آن خدمات ارایه دادم آقای مولوی عباس انصاری یک حزب بنام 'اتحاد المسلمین' که شعار تقریبی داشت من با ایشان
هم همکاری داشتم

بزرگترین مجمع تقریب که در کشمیر تاسیس شده و من بخاطر دارم 'مجلس تحفظ شریعت اسلامی' (مسلم پرسنل لا فورم) می باشد
که در سال ۱۹۷۲ میلادی تاسیس شد و بزرگترین احزاب مسلمانان اعم شیعه و سنی عضوی آن بودند از جمله: نصرت الاسلام ، انجمن
شرعی شیعیان ، جماعت اسلامی ، اتحاد المسلمین ، جمعیت اهل حدیث ، اسلامک استیدی سرکل ، مسلم یوته فیدریشن
درباره مسلم یوته فیدریشن عرض کنم که این به ریاست پیرزاده بدرالدین در اواخر دسامبر سال ۱۹۶۳ میلادی تاسیس شد و بنده نایب
رئیس آن منتخب شدم و حدود سه سال این مسئولیت بعهده داشتم آقایان مهندس غلام حسن خان (رئیس اسبق اوقاف اسلامی) ،
وکیل معروف دادگاه عالی آقای غلام نبی هاگرو اسلام آباد ، پروفیسور محمد عبدالله شیدا ، مولانا مفتی جلال الدین فتحه کدل ، دکتر
محمد سلطان سوئی بگ از بنیان و فعالان ارشد آن بودند این جبهه برای دفاع از حقوق مسلمین و قیام علیه بعض ماده های قانونی
قوه قضائیه هند و کشمیر بوده که قوه قضائیه خواستار جدا سازی بعض امور فردی و اجتماعی مسلمانان بوده و کشمیر موضع قوی
داشته و هند از آن منصرف شد و من طرح تقریب بین احزاب اسلامی ارایه دادم که مورد استقبال همه واقع شد و بدین ترتیب مسلم
پرسنل لا فورم (مجلس تحفظ شریعت اسلامی) تاسیس شد و مسلم یوته فیدریشن و جماعت اسلامی از فعالان ارشد در تاسیس آن
بودند و با وثوق می توانم بگویم اهل سنت بیش از شیعه با ما همکاری داشتند

فعالیت این مجمع تقریب (مجلس تحفظ شریعت اسلامی) آخر کار چه شد ؟

وقتیکه بانی کنفرانس ملی آقای شیخ محمد عبدالله مجدداً زمام اقتدار را بدست گرفت با کیاست خاص بین اعضاء آن تفرقه افکنی
بوجود آورد در حالیکه در زمان حکام دیگر از جمله آقای میر قاسم و آقای صادق چنین نشد و حرکتی علیه اتحادیه های اسلامی بوجود
نیامد ولی در زمان آقای شیخ محمد عبدالله هم تربیون تقریبی مسلمانان اعم شیعه و سنی از هم پاشید هم سر و کله بهایت در کشمیر
پیدا شده فعالیت شروع کرد البته اینجا ما همه دست همدیگر داده علیه بهایت فعالیت شروع کردیم و در سال ۱۹۷۷ میلادی فعالیت
بهایت را در کشمیر متوقف کردیم و فعالان آن را از کشمیر بیرون راندیم

در سال ۱۹۷۸ وقتی که آقای ذولفقار علی بتو را در پاکستان قتل کردند کنفرانس ملی کشمیر علیه جماعت اسلامی فعالیت مزموم آغاز
کرد و برای سرکوبی جماعت اسلامی شعار سر داد که جماعت اسلامی ها آقای بتو را بشهادت رساندند ولذا به همه ملکیت فعالان
جماعت اسلامی را غارت بردند زراعت شان تباہ کردند ، درختانشان را بریدند غرض آسیب جدی وارد ساختند و در جولایی
۱۹۷۹ میلادی مجلس تحفظ شریعت اسلامی منحل شد و تازه در سال ۲۰۰۷ میلادی یک مجمع جدید بنام 'اتحاد ملت' تاسیس شد که
در واقع ثمره همان مجلس تحفظ شریعت اسلامی می باشد با همان اعضا و فعالان
نسبت به فعال سازی تقریب مذاهب اسلامی اگر نظری یا پیشنهادی دارید بفرمائید؟

به نظرم امت اسلامی نیازمند یک اتحادیه فقهی اجتهادی است تا زمانیکه چنین تربیون تشکیل نشود مشکلات امت اسلامی از جمله
مسئله فلسطین ، کشمیر و افغانستان حل نخواهد شد همچنین فرهنگ اسلامی یک رنگ و یک جهت پیدا نمی کند وقتیکه در میان
فقه و مجتهدین فتوای یک مفتی برگزیده شود تا اینکه در میان امت اسلامی تقریب عملی مشاهده شود مثلاً اختلاف سلیقه میان
سلفی ، بریلوی و شیعه وجود دارد یکی درباره حجاب یک تعبیر ارایه می دهد و دیگری دیگر ، یکی ریش را مورد اهمیت قرار می دهد
و دیگری اندازه پیراهن یکی نعت خوانی را به رقص و ساز تبدیل می کند دیگری عزاداری را با کار های موهن قاطی می کند یکی با
تلاوت قرآن با بلند گو مردم آزاری می کند دیگری با کار دیگر بنام اسلام مردم آزاری می کند غرض این همه امور اصلاح می شود.

منبع: خبرگزاری تقریب